

مشارکت زنان و مدیریت شهری

اعظم صفری رودبار

کارشناسی علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: azam safarirodbar1402@gmail.com

چکیده

مدیریت شهری در ایران، شهر حامی زن را بیشتر پروژه محور دیده است نه فرایندی و مسأله محور، به همین دلیل شاید بتوان در برخی از مناطق و شهرها در نظام شهری ایران فرم هایی از شهر حامی زن مشاهده کرد، لیکن این فرمها با سیاست ها و بخشنامه های دستوری شکل گرفته و خیلی تأثیرگذار نیست. برای ایجاد شهر حامی زن باید به فرایندهای تولید فضاهای شهری پرداخته شود که این فرایندها بسیار عمیق و ریشه ای هستند. هدف این پژوهش مشارکت زنان و مدیریت شهری است، در این تحقیق به اهمیت و اصول مدیریت شهری پرداخته شده است، همچنین نقش زنان در مدیریت شهری که حائز اهمیت است، کمتر در تحقیقات قبلی پرداخته شده است، در این تحقیق به ضرورت توجه به ایده شهر حامی زن، بررسی وضعیت شهر حامی زن در ایران پرداخته شده است و براساس نتایج بدست آمده در این پژوهش پیشنهادهای جهت مشارکت هر چه بیشتر زنان در امور شهری ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، مشارکت زنان، شهرداری

مقدمه:

از دهه ۱۹۷۰ فعالیت هایی در راستای توجه به مسائل شهری، رویکردهای جنسیتی و عدالت آغاز شده است. در این رویکرد به طور کلی بر ساختن شهرهای قابل پذیرش برای زنان، از طریق مشارکت آنها در سازوکارهای تصمیم گیری محلی و همچنین بهره مندی از خدمات محلی تأکید می گردد. نگاهی به نتایج و دستاوردهای مطالعات و پژوهش های صورت گرفته حاکی از آنست که، به رغم توسعه این مفهوم در برخی کشورها، تاکنون پروژه و طرح جامع و کاملی برای تحقق ایده شهر حامی زن در ایران انجام نپذیرفته است و بیشتر کارها به صورت پراکنده انجام گرفته است.

مدیریت شهری در ایران، شهر حامی زن را بیشتر پروژه محور دیده است نه فرایندی و مسأله محور، به همین دلیل شاید بتوان در برخی از مناطق و شهرها در نظام شهری ایران فرم هایی از شهر حامی زن مشاهده کرد، لیکن این فرمها با سیاست ها و بخشنامه های دستوری شکل گرفته و خیلی تأثیرگذار نیست. برای ایجاد شهر حامی زن باید به فرایندهای تولید فضاهای شهری پرداخته شود که این فرایندها بسیار عمیق و ریشه ای هستند.

امروزه تقریباً نیمی از مردم در شهر زندگی می کنند و پنج درصد از رشد شهری در جهان در حال توسعه رخ می دهد. در همین زمان نابرابری جنسیتی در شهرها مانع اساسی توسعه در بسیاری از کشورهاست و این موضوع در کشورهای در حال توسعه بیشتر صدق میکند. پیش بینی ها حاکی از آنست که نسبت جمعیت شهری تا سال ۲۰۵۰ به ۷۰ درصد افزایش یابد و در صورت ناموفق بودن دولت ها در مداخله موثر، تعداد زاغه نشینان به سرعت افزایش خواهد یافت.

برای شهرنشینی پایدار، دولت ها و سیاستگذاران توسعه باید تأثیرات جنسیتی، مهاجرت های روستایی- شهری، مهاجرت بین المللی، زاغه نشینی و شهرنشینی سریع را درک کنند. هنگامی که طراحی و خدمات شهری - از جمله آب، بهداشت، حمل و نقل و بازارها - به تبعیض جنسیتی توجه داشته و فرصت های برابر را ترویج دهند، منافع اقتصادی و اجتماعی بیشتری میتواند حاصل شود.

برابری جنسیتی و شهرسازی پایدار نه تنها برای بقای شهرها ضروری است، بلکه برای تحقق اهداف و تعهدات جهانی از جمله رسیدن به اهداف توسعه هزاره، لازم و اجتناب ناپذیر است.

از دهه ی ۱۹۷۰ فعالیت هایی در راستای توجه به مسائل شهری، رویکردهای جنسیتی و عدالت آغاز شده است. از جمله این فعالیت ها در سال های اخیر می توان به " برنامه مشترک زنان سازمان ملل متحد " در سال ۲۰۰۶ با هدف اصلی سازی برابری جنسیتی در برنامه ریزی و برنامه نویسی ادارات محلی اشاره کرد. به موازات این فرآیند، شهرهای حامی زنان UNJP با هدف توانمندسازی ادارات محلی و سازمان های زنان به منظور ایجاد همکاری قوی بین آنها اقدام کردند. پس از اتمام مرحله اول در سال ۲۰۱۰، مرحله دوم برنامه مشترک شهرهای حامی زنان سازمان ملل در آوریل ۲۰۱۱ آغاز شد.

مدیریت شهری

برای درک و فهم مفهوم مدیریت شهری شناسایی بخش های این ترکیب دارای اهمیت ویژه ای است. مدیریت را فراگرد به کارگیری موثر و کارآمد منابع انسانی و مادی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شدن است که از طریق برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می گیرد. از طرفی عده ای شهر را پیچیده ترین مخلوق حال حاضر بشر می دانند که در آن انسان ها، ابزارهای دست ساز بشر، محیط زیست محیطی را ساخته است که ایجاد کننده کنش ها و واکنش های متعدد و چند جانبه است. به نحوی که انسان هم از آن اثر گرفته و هم بر آن اثر می گذارد. مطالعات دقیق تر این محیط با دید سیستمی و شناخت آثار کل بر جزء و جزئی بر کل نیز به نحوی ناقص بوده و محیط شهر از قواعد و قوانین غیر خطی پی روی می نماید. معیار های شناسایی شهر از گونه های غیر خود به طور معمول، میزان جمعیت، شغل غالب مردم ساکن، وجود شهرداری و مواردی اینگونه بوده است. امروزه، شهرها از دو جنبه اهمیت یافته اند: یکی بعنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم، دیگری بعنوان عمده ترین بازیگر نقش اقتصادی، در کل اقتصاد ملی. از اینرو، باید به مسائل و مشکلات آنها، توجه بیشتر و دقیق تر کرد. زیرا، در حالی که برنامه ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می گردد، شکست در حل مشکلات و مسائل

شهری، سبب رکود اقتصادی، نارضایتی های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد. ترکیب مدیریت و شهر مفهوم سازماندهی امور مربوط به برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل در محدوده شهر را تداعی می نماید. مفهومی که در کشور های مختلف به دلیل ساختار های سیاسی و رویکرد های اقتصادی، نهاد های متفاوتی را با الگو های متفاوتی در خود درگیر دارد.

استرن در سال ۱۹۹۳ طی مقاله ای در نشریه شهرها بیان می کند که اصول کلی برای فهم مدیریت شهری وجود ندارد و مفهوم اصلی این واژه بسیار گیج کننده است. مدیریت شهری با توجه به سلیقه ها، ادارک افراد و همچنین اقتضای سیاسی - اجتماعی زمانهای مختلف معانی متفاوت داشته است. چنانچه ما در زمان کنونی نیز این اختلاف معانی و مفهوم را کاملا شاهد هستیم. از نظر بانک جهانی مدیریت شهری یک فعالیت شبه تجاری برای دولت هاست. به عبارت دیگر مدیریت شهری یعنی اداره امور شهری و کارایی بیشتر برای استفاده از وام های بانک جهانی می باشد. بعضی اوقات مدیریت شهری بعنوان ابزاری برای اجرای سیاستگذاریهای شهری در نظر گرفته می شود که به مفهوم علم اداره جامعه می باشد. با این حال نقطه شروع مدیریت شهری به معنای نوین آن را بایستی در تحولات دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی جست. در این زمان و پس از دوره رکود نسبی دهه ۸۰ مضامین و مفاهیم جدیدی در ارتباط با نقش و وظایف دولتها به وجود آمد و دولت رفاهی که در دهه ۷۰ ناکارآمدی خود را در مواجهه با رخدادهای جاری در زمینه های فنی و اجتماعی نشان داده بود جای خود را به دولت حداقلی داد و دولتهای محلی در پرتو مدیریت نوین دولتی به توانمندساز بدل شدند. فرایند تمرکز زدایی نیز در تبدیل مدیریت شهری به یک فعالیت قدرتمند و دارای اختیارات قانونی سرعت بخشید.

اشتغال زنان و مدیریت شهری

شهر در قرن ۲۱ در مقایسه با شهر در قرن گذشته سه تفاوت اساسی دارد. تغییرات اقتصادی ناشی از جهانی شدن، فناوری اطلاعات و زنا نه شدن نیروی کار سبب شده که رویکرد به شهر دچار تغییر شود و نیازهای جدیدی شکل بگیرد. فضاهای شهری نیازمند عدالت در دسترسی است. تقسیم بندی فضا یا اختصاصی سازی آن برای یک جنسیت فرصت های برابری دسترسی در فضاهای شهری را با چالش روبرو می کند. اصولا شهرها در تعریف به معنی مکانی گفته می شود که علاوه بر داشتن تراکم و تمرکز جمعیت، نیروی کار آن درگیر فعالیت کشاورزی نیست و اقتصادش مبتنی بر تجارت، تولید صنعتی و ارائه خدمات است. همچنین شهر دارای فرهنگ خاص خود - در مقابل فرهنگ روستا - است. این تعریف موضوعیت سکونت، اشتغال و تمرکز جمعیت را به فضا پیوند داده که ضرورت آماده سازی فضا برای فعالیت را مورد توجه قرار می دهد. یکی از فاکتورهای موثر به منظور افزایش مطلوبیت و انجام تعاملات اجتماعی در یک فضای عمومی، دسترسی به فضای عمومی به تنهایی (۱) است. دسترسی به فضاهای عمومی به تنهایی می تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی برای کاهش مطلوبیت تعاملات اجتماعی شود. لذا دسترسی به انواع فضای عمومی می تواند به عنوان شاخص پراکندگی فضای عمومی، اندازه گیری و استفاده شود. مساله حضور زنان در عرصه های شهری و دسترسی عادلانه به فضاها و خدمات شهری در رویکردهایی چون حکمرانی خوب شهری، شهرسازی انسانگرا و دیدگاه های زن گرایانه به طور جدی مطرح است. به طور کلی، زنان در مقایسه با مردان، در فضاهای عمومی احساس ناامنی بیشتری دارند؛ خیابان های شهر به هنگام شب، خالی از زنان تنهاست. حتی هنگام روز، در نقاط خلوت یا نقاطی که تردد در آنها محدود است، زنان حضور ندارند. این مهم در بستری از نقش های جدید زنان در بازار کار و ورود به عرصه عمومی تصویری دیگر از شهر را به نمایش گذاشته که الزامات خاص خود را دارد.

اشتغال زنان امروزه یک امر پذیرفته شده ملی است؛ فارغ از تمامی رویکردهای جهانی ایران امروز به دلیل افزایش جمعیت، ضرورت تامین رفاه خانواده، بالا رفتن میزان تحصیلات دختران و ناتوانی خانوار در تامین یک نفره مخارج زندگی و خواست زنان برای مشارکت در امور جامعه و توسعه تعاملات اجتماعی به عنوان اصلی از زندگی اجتماعی طرح شده است. در گذشته نیز زنان ایرانی با مقوله اشتغال، ارتباطات تنگاتنگ داشتند. آن موقع که کشاورزی شغل غالب کشور بود زنان پا به پای مردان در مزارع فعالیت می کردند و علاوه بر رسیدگی به امور خانواده به اشتغال خانوادگی نیز مشغول بود و مسائل مربوط به تولید ثروت برای خانوار را نیز در پیشه خود داشتند. با صنعتی شدن، این مقوله کم کم به حاشیه رانده شد و شکل اشتغال به

موضوعی خاص برای زنان به عنوان کاری منفرد مورد توجه قرار گرفت. سابقه اشتغال زنان به قرن‌ها و هزارها سال برمی‌گردد اما در شکل جدید آن با توجه به سوابق دیرین آن دوباره این مفهوم در دستور کار زنان ایرانی به عنوان یک اصل پذیرفته شده وارد شده است. جامعه به‌رغم همه مقاومت‌هایی که ناشی از نوع خوانش نسبت به ادبیات دینی و اجتماعی دارد این مهم را در خود جای داده و اشتغال زنان اکنون به عنوان یک فرصت برای توسعه تعاملات اجتماعی و کسب هویت از یک سو و تامین درآمد از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تغییر وضعیت اسکان اجتماعی که ۷۰ درصد در شهرها و ۳۰ درصد در روستاها هستند مقوله اشتغال زنان پا به عرصه شهرها گذاشته و به‌رغم پایین بودن ضریب اشتغال زنان (حدود ۱۶ درصد) اما پیوند آنان با بازارهای کار رسمی و غیررسمی ناگسستنی است. در این راستا شهرها به دلیل ساختار طراحی، نظام اجتماعی حاکم بر آن و... فرصت‌های کافی برای حضور زنان را در خود ندارند و زنان شاغل نیازمند ایجاد همخوانی میان محیط شهری و نقش تولید ثروت دارند. بازخوانی فضای شهری، در قالب کلماتی چون شهر دوستدار کودک یا دوستدار سالمند یا دوستدار زن امروزه در ادبیات شهرسازی وارد شده اما کافی نیست. امروز تردد در شهر به عنوان یک اصل برای تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود؛ ایجاد ظرفیت متناسب برای تردد در شهر به ویژه در فضای عمومی اصلی انکار ناپذیر است. شهر تهران به دلیل وسعتی حدود ۶۳۰ کیلومتر مربع و دارای حدود ۱۰ هزار کیلومتر معبر در بستری از مطالبات و نیازها از یک سو و ناخوانی شهری برای حضور زنان از سوی دیگر قرار گرفته است.

برنامه‌ریزی شهری در این بستر با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای نظارت اجتماعی از یک سو و رفع سویه‌های نگران‌کننده از شهر در صد آن بر آمده که مساله تردد زنان در شهر را که فارغ از تردهای معمول در جهت اشتغال و کسب درآمد برای خانوار است را مرتفع کند. رفع فضاهای بی‌دفاع شهری بخشی از این مهم است که در دستور کار مدیریت شهری تهران قرار گرفت. این مهم موید دو امر است؛ نخست پیشگیری از خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی و دوم تلطیف شدن فضای تردد با به‌کارگیری رویکردهای مشترک زنانه و مردانه در فضاهای عمومی شهری!

زنان در شهرها نیازمند دو امر هستند؛ ایجاد فرصت اشتغال و تامین امنیت برای تردد! چرا که امکان در اختیار گرفتن فرصت‌های شغلی بدون توجه به فرصت تردد و حضور در شهر بیشتر شبیه مزاحی است که خنده بر لب کسی وارد نمی‌کند! از کارمندی در ادارات و شرکت‌ها تا تدریس و فروشنده‌گی و... در این راستا زنان به عنوان تولیدکنندگان فضا و استفاده‌کنندگان از آن با خوانشی متفاوت فضاهای شهری را رصد می‌کنند الزام به حضور آنها در فضای شهری در راستای اشتغال از یک سو و تمایل به تغییر در مناسبات اجتماعی که در صد کاهش حضور آنان است نیاز به تغییر در فضای اجتماعی را باشتاب بیشتری همراه کرده است!

زنان اکنون به عنوان نیمی از شهروندان در صد ایجاد فرصت‌های بیشتر جهت مشارکت در شهر هستند مشارکت آنان از جنس مشارکت فعال و حضور آنان از جنس حضور موثر است. زنان مصرف فضاهای شهری را بخشی از نیاز خود می‌دانند که این مهم در قالب اوقات فراغت یا اشتغال یا رفع نیازهای خانوار شکل می‌گیرد! این مهم نیازمند نگرشی متفاوت برای فضاهای شهری است؛ توجه به امنیت و ایمی دو مقوله اصلی برای ایجاد تدارک لازم برای حضور زنان در شهر است. اشتغال یکی از مهم‌ترین دلیل و به عبارتی شاید بتوان گفت از اصلی‌ترین دلایل حضور آنان است. لذا شهر باید تدارک لازم را برای اشتغال زنان در شهر - که فقط منحصر به تردد در شهر نیست - ببیند، چرا که حتی خود فضاهای شهری بستری برای اشتغال آنان است. از ایستگاه‌های مترو و اتوبوس گرفته که بستری برای بازاریابی محصولات که زنان به فروش می‌رسانند تا مغازه‌ها و کسب‌های گوناگون که امروزه با کمک زنان چرخ آنان به حرکت درآمده است. لذا فضای شهری اختصاصی اکنون عمومی شده و فرصت‌های اشتغال شهری بیش از فرصت‌های شغلی رسمی به ضرورت‌های آماده‌سازی فضای شهری برای زنان کنایه می‌زند!

بر اساس مطالعات صورت گرفته در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ باید گفت ۵۰ درصد اشتغال ایجاد شده در این دوره متعلق به زنان است. به این ترتیب با وجود اینکه حدود ۱۸ درصد (به‌طور رسمی) اشتغال کل کشور به زنان تعلق دارد اما در این دوره ۵۰ درصد ورودی‌های جدید بازار کار زنان هستند. این شرایط کاملاً با ساختار بازار کار متفاوت بوده است. البته تفاوت‌ها از جوه دیگر هم وجود دارد. مثلاً اینکه نیمی از اشتغال تازه افزوده شده دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. در حالی که در کل

بازار کار کشور کمتر از ۲۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. همچنین ۶۰ درصد این افراد متولدان دهه ۷۰ هستند. اغلب این افراد در بنگاه‌های بسیار خرد اشتغال دارند. به طور کلی در دوره اخیر ساختار بازار کار از لحاظ جنسیت، اندازه بنگاه، نوع پوشش بیمه و... تغییر کرد. در این دوره افراد خودشان برای خود شغل ایجاد و مشاغل‌شان هم از نوع شرکتی نبوده و به عبارتی حقوق‌بگیر نبودند. حدود ۷۵ درصد شغل‌هایی که در این دوره ایجاد شد به کارهای مستقل و بخش خدمات متعلق است. (۲) این مشاغل که عمدتاً در سطح شهرها ایجاد شده‌اند موید این حقیقت است که شهر بازار کار زنان است. از این رو توجه به ظرفیت‌های شهری از سوی مدیران شهری برای تدارک امکان ایجاد شغل از یک سو و شاغل بودن از سوی دیگر برای زنان ضروری است. تدارک حمل و نقل عمومی متناسب و گسترش آن از طرفی به همراه تامین نورپردازی متناسب، کاهش و رفع فضاهای بدون نظارت اجتماعی در کنار بازنگری ساختار معماری شهر و توسعه فضاهای عمومی از مهم‌ترین رویکردها برای تضمین اشتغال زنان در شهرهاست. امروزه شهرها با اشتغال زنان عجین شده‌اند این مهم در بسیاری از مشاغل که پیش‌تر مردانه به حساب می‌آمد قابل مشاهده است از کسب و کارهای خرد تا سازمان‌های و دستگاه‌های بزرگ همگی نیاز به زنان را به عنوان شاغل برای ارائه خدمات به مخاطبان خود جدی پنداشته‌اند و مدیریت شهری نیز نیازمند نگرشی متفاوت برای تدارک شرایط زیست شهری است. شهر تک‌جنسیتی رویکردی غلط یا به نوعی غیرقابل دستیابی بوده است که امروزه به دلیل نیاز و مطالبه باید تغییر کند. نگاهی به سیل زنان جوای شغل و شاغل در حمل و نقل عمومی در صبح‌های خیلی زود و غروب بیانگر نیازی دیگر به سامانه مدیریتی شهر برای تدارک شهر همگان است. در نهایت شهر رنگی دیگر را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که شاید آمادگی برای ورود به آن را نداشته اما ضرورت‌ها آن را وادار کرده که بر ساختارها و رویکردها تغییر ایجاد کند. بر اساس آمار سال ۹۹ به گزارش ایسنا، در استان تهران تنها یک درصد از جمعیت زنان و مردان در حوزه کشاورزی فعالیت می‌کنند و پس از آن در حوزه صنعت مشارکت زنان ۲۲ درصد و در حوزه خدمات ۷۶ درصد اعلام شده است. در این آمار به ترتیب سهم مشارکت مردان ۳۵ درصد در صنعت و ۶۳ درصد در خدمات اعلام شده است (۳). طبق برآوردهای صورت گرفته بیش از ۷۱ درصد زنان شاغل در استان تهران در بخش خصوصی فعال هستند و این آمار برای مردان ۸۴ درصد اعلام شده است

ضرورت توجه به ایده شهر حامی زن

اگرچه زنان نیمی از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند، اما آنها نمی‌توانند به طور کامل و یکسان در فرایندهای تصمیم‌گیری محلی شرکت کنند. با این وجود، زنان شرکای طبیعی هستند که باید توسط مدیران محلی انتخاب شده در مراحل برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشارکت داده شوند. تقاضای نمایندگی برابر زنان در سازوکارهای تصمیم‌گیری، یک حق اساسی و یک عنصر ضروری دموکراسی است.

به طور سنتی، برنامه ریزی شهری توسط مردان انجام می‌شود و نیازهای زنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با این حال، تمام تصمیماتی که در مورد مسکن، امنیت، حمل و نقل، آموزش و مسائل بهداشتی گرفته می‌شود، مستقیماً بر زنان تأثیر می‌گذارد، زندگی آنها را تسهیل یا پیچیده می‌کند. از آنجا که زنان در مجامع محلی به طور مساوی نماینده نیستند، نمی‌توانند در صورت لزوم روی این تصمیمات تأثیر بگذارند.

به عنوان مثال، خدماتی مانند ساخت مکان‌هایی که زنان بتوانند در آن جمع شوند یا یک مهدکودک و یک مرکز مراقبت روزانه برای هر محله و غیره بطور کلی در برنامه ریزی و سازماندهی شهری اولویت ندارند. خیابان‌های کم نور، فقدان خدمات اتوبوس‌های عمومی به مناطق دور افتاده و شرایط نامناسب امنیتی موجود، مانعی برای آزادی رفت و آمد زنان محسوب می‌شود که این یکی از حقوق اساسی آنها است. زنان هنگام بهره‌مند شدن از امکانات فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت شهرها از جمله گروه‌هایی هستند که به شدت نادیده گرفته شده‌اند. علاوه بر این، سرپناه‌های زنان و خطوط پشتیبانی فوری، در صورت مواجهه با خشونت نیز موضوعات مهمی هستند که نباید در برنامه‌های اداره شهر صرف نظر کرد.

ایده و مفهوم شهر حامی زن حاصل تلاش برای حل مسائل و مشکلات زنان و ارتقاء و بهبود وضعیت آنان در زندگی شهری است. شهر حامی زن در مفهومی وسیع اشاره به شهری مطلوب و مناسب زندگی اجتماعی زن در ابعاد مختلف اجتماعی،

فرهنگی، حقوقی، کالبدی، بهداشت و سلامت و سایر امور زندگی اجتماعی شهری دارد. هدف از ایجاد شهر حامی زن، ایجاد فضا و امکاناتی در شهر و ابعاد مختلف زندگی شهری است که فعالیت زنان در شهر را تسهیل کرده و زندگی شان را درون فضای شهری آسانتر کند.

شرط اصلی ایجاد شهر حامی زنان این است که بتوانیم نیازهای زیرساختی، اجتماعی و مکانی زنان و دختران را به درستی تحلیل کرده و با تجزیه و تحلیل این نیازها به "طراحی خدمات شهری ویژه زنان" و "ارائه کلیه خدمات با در نظر گرفتن برابری جنسیتی" مبادرت ورزید. باید توجه داشت که این دو رویکرد را نباید به عنوان دو گزینه مجزا در نظر گرفت، بلکه این دو رویکرد موازی و مکمل همدیگرند.

به طور خلاصه، اولین قدم برای ایجاد شهر حامی زنان این است که با زنان و دختران ساکن این شهر آشنا شویم و نیازها، مشکلات و فرصت های آنها را به درستی تحلیل کنیم. در پی این مرحله، برنامه ها و برنامه های استراتژیک حساس به جنسیت باید در شهرها تهیه شود و بودجه ریزی حساس به جنسیت باید در هنگام تنظیم بودجه استان مورد توجه قرار گیرد. برنامه ی مشترک شهرهای دوستانه زنان سازمان ملل متحد از ایجاد شهرهای حامی زنان که زنان به طور فعال در مدیریت و زندگی روزمره شرکت می کنند، حمایت میکند.

مفهوم شهرهای حامی زنان

شهرهای حامی زن بدین گونه تعریف می شوند:

"مکانی که در آن زنان از شمول اجتماعی، آسایش و امنیت برخوردارند و در آن می توانند رشد نموده، پیشرفت کنند و به طور مؤثر در توسعه شهر خود مشارکت نمایند".

در یک نگاه کلی و جامع، طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ سه مولفه اصلی "شمول گرایی"، "آسودگی" و "امنیت" در شهر حامی زن به گونه ایست که:

- زنان و دختران می توانند بدون ترس از مورد تجاوز واقع شدن از فضاهای عمومی و زندگی عمومی بهره مند گردند.
- خشونت علیه زنان و دختران نه در خانه و نه در خیابان اعمال نمی شود.
- زنان و دختران مورد تبعیض قرار نمی گیرند و حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان تضمین شده است.
- زنان و دختران در تصمیم گیری های مؤثر بر جامعه ای که در آن زندگی می کنند مشارکت می نمایند.
- حکومت، حقوق انسانی تمام مردم را بدون طرد کردن زنان و دختران تضمین می نماید.
- حکومت و دولت محلی اقدامات لازم برای توجه به خشونت ها علیه زنان و دختران، جلوگیری از آن و مجازات آن را انجام م ی دهد.

- حکومت و دولت محلی دسترسی زنان و دختران به عدالت را تضمین می نماید

پروژه شهر حامی زن سئول کره جنوبی

پروژه شهر حامی زن سئول که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، یک استراتژی فراگیر برای اجرای سیاست های شهری اتخاذ نمود تا برابری جنسیتی و رفاه زنان را افزایش دهد. در این پروژه به منظور بهبود زیرساخت ها در یک شکل حامی زن، اتاق های استراحت در خیابان ها، پیاده روهای و پارکینگ های حامی زن ایجاد شدند. در زمینه اشتغال زنان، این برنامه زنان را مجدداً به سر کارشان برمی گرداند و از طریق ایجاد فرصت های بیشتر شغلی که به زنان امکان برقراری تعادل میان نیازهای شغلی و خانوادگی شان را می داد، از مشاغل حامی زن حمایت می کرد. همچنین طرح هایی مانند آموزش به منظور پیشگیری از تجاوز جنسی، وجود مرخصی زایمان یا نگهداری از فرزند، افزایش میزان زنان کارمند و قرار دادن بیشتر زنان در سمت های اجرایی اجرا شدند. بخش دیگری از برنامه های پروژه مربوط به استقرار حکمروایی حامی زن بود که مشارکت در فرایند تصمیم گیری را تشویق می کرد.

همچنین پروژه سئول به منظور بهبود سیستم حمل و نقل عمومی برای افزایش راحتی و امنیت زنان، اقداماتی مانند ایجاد

تاکسی تلفنی های امن برای زنان، اتوبوس های حامی زن، تمرکز بر رانندگی امن، قرار دادن دستگیره های اتوبوس در سطح پایین تر، تهیه نقشه امنیت زنان و ایجاد تغییرات محیطی را اجرا نمود.

پروژه شهر حامی زن استانبول

در سال ۲۰۰۷ برنامه مشارکتی حمایت و توسعه حقوق انسانی زنان و دختران تحت عنوان «شهرهای حامی زن» در شش ایالت مختلف در سراسر ترکیه اجرا شد. در این برنامه که تا سال ۲۰۰۹ به پایان رسید، برنامه های مختلفی اجرا شد. ایجاد تیمی بحرانی برای زنانی که اقدام به خودکشی کردند، واحدهای سلامتی سیار برای کارگران فصلی، آموزش برابری جنسیتی به مسؤولان و مدیران محلی از جمله برنامه های این پروژه بودند.

همچنین کمیسیون های برابری جنسیتی در مجالس عمومی و انجمن های شهرداری استقرار یافتند. سایر اقدامات مانند ارتقای بودجه جنسیتی، مراکز جدید حمایت از زنان، ایجاد واحدها و هیأت های زنان در دولت و شهرداری ها نیز انجام شد. علاوه بر این به منظور حامی زن شدن شهرها، مقرر شد برنامه های اجرایی، خدمات شهری را با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان مانند ایجاد مراکز حمایت از زنان، مراکز نگهداری از بچه و مراکز ویژه زنان ایجاد کنند.

در این برنامه، امن ساختن شهرها، افزایش تعداد پارک ها و بوستان ها، امکان دسترسی زنان به خدمات و بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی زنان نیز مورد توجه قرار گرفت. دومین پروژه شهر حامی زن ترکیه با نام **friendly cities** Woman در ژوئن سال ۲۰۱۱ آغاز شد. هدف نهایی این پروژه عبارت بود از:

ارتقا و حامی زن کردن محیط از طریق ایجاد جریان جنسیتی در فرایند برنامه ریزی محلی و گفتگوی محلی با سازمان های زنان، سازمان ها و نهادهای دولتی در سطح محلی و ملی

پروژه شهر حامی زن کوچی هند

پروژه **سابالا** که در شهر کوچی هند اجرا می شود، از طریق طرحها و برنامه های مختلف به دنبال حل بیشتر مسائل پیش روی زنان و ایجاد یک شهر حامی زن است. برخی از اهداف پروژه عبارتند از:

- بسط مراقبت های پزشکی برای خانوارهایی که فقط اعضایشان زن هستند. هزینه های آموزشی چنین خانواده هایی نیز به طور کامل توسط این برنامه ها تأمین می شود.
- ایجاد امکانات سکونت جدید برای زنان در شهر به منظور تضمین امنیت زنان مسافری که با اهداف مختلف به این شهر می روند. علاوه بر وجود تیم کارکنان زن و محل های سکونت سایر امکانات مانند امکان رزرو آنلاین، تاکسی و سایر خدمات نیز تأمین شد.
- اتوبوس های ویژه زنان اقدام بدیع دیگری بود که در پروژه طراحی شد. بر اساس این هدف، همه اتوبوس ها دارای قسمت زنانه خواهند شد.
- به منظور مقابله با سو استفاده از کودکان، تیمی متشکل از سه مشاور در هر مدرسه مستقر خواهند شد تا دانش آموزان را از فسادهای جدید مانند جرایم اینترنتی و سو استفاده از دانش آموزان از طریق تلفن های همراه و شبکه های اجتماعی راهنمایی و حمایت کنند.
- لاهه بر این، در فوریه سال ۲۰۱۴، پروژه امنیت زنان نیز با کمک دولت مرکزی به منظور تضمین امنیت زنان و بچه ها در کراالا آغاز شد. بر اساس برنامه پروژه، هر دولت محلی دارای ۱۰ داوطلب خواهد بود. این داوطلبان ملاقات های مکرر از خانه هایی خواهند داشت که زنان تنها، بیوه ها و افراد مسن زندگی می کنند. هدف چنین بررسی اینست که میزان رفاه آنان سنجیده شده و اگر این زنان نیاز به کمک پلیس داشتند، برایشان فراهم شود.
- **بررسی وضعیت شهر حامی زن در ایران**
- نگاهی به مطالعات و پژوهش های صورت گرفته حاکی از آنست که به رغم توسعه این مفهوم در برخی کشورها، تاکنون پروژه و طرح جامع و کاملی تحت این عنوان در ایران انجام نشده است. به عبارت دیگر، مدیریت شهری در ایران، شهر حامی زن را بیشتر پروژه محور دیده است نه فرایندی و مسأله محور.

- به همین دلیل شاید بتوان در برخی از مناطق و شهرها در نظام شهری ایران فرم هایی از شهر حامی زن مشاهده کرد، لیکن این فرم ها با سیاست ها و بخشنامه های دستوری شکل گرفته و خیلی تأثیرگذار نیست. برای ایجاد شهر حامی زن باید به فرایندهای تولید فضاهای شهری پرداخته شود و این فرایندها بسیار عمیق و ریشه ای هستند و با ایجاد چند پارک ویژه بانوان شهر حامی زن ساخته نمی شود.
- در این راستا باید نگاه ها و فرهنگ اجتماعی و مدیریتی را تغییر داد تا بتوانیم شهری را مبتنی بر ظرفیت های اجتماعی- فرهنگی بانوان کشورمان برای آنها و به دست خودشان ایجاد نماییم. لازم به ذکر است تا موقعی که این نگاه مهندسی و مردانه بر تولید فضاهای شهری ما حاکم است نمی توان انتظار داشت سیاست ها و برنامه به سمت ایجاد شهر حامی زن نیل کند. باید توجه داشت که ایجاد شهر حامی زن می تواند گامی بلند در راستای توسعه پایدار شهری و اجتماعی کشور باشد. چرا که نیمی از ظرفیت های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی کشور در قالب زنان یافت می شود و بدون بسترسازی و ایجاد فضاهای مناسب برای بهره گیری از این ظرفیت ها نمی توان امید توسعه کلان کشور را داشت.
- تجربه شهر حامی زنان در مونترال کانادا نشان داده است که چهار اصل مشارکت سیاسی، فراهم نمودن زمینه های اشتغال زنان، تلاش در راستای ایجاد فضای امن برای زنان و تسهیل دسترسی آسان به مسکن مناسب، از شروط اصلی ترویج جایگاه زنان در سکونت گاه های شهری است.

نتیجه گیری

باید گفت که تغییر نگاه و فرهنگ سازی اجتماعی و مدیریتی به منظور ایجاد شهری برای استفاده از ظرفیت های اجتماعی- فرهنگی بانوان کشور متکی بر قابلیت ها و توانایی های آنان ضروری است و باید توجه داشت که ایجاد شهر حامی زنان می تواند گامی بلند در راستای توسعه پایدار شهری و اجتماعی کشور باشد.

منابع و مآخذ

- ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳۲، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۱،
- بها، محمد(۱۳۹۵)، نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی (اعتیاد) آوای همیاری، شماره ۹،
- پيله وری، نازنین(۱۳۹۴) ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰) پژوهش های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۴،
- سجاسی قیداری حمدالله، حاجیان، نرگس(۱۳۹۷)، ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخصهای حکمروایی مطلوب نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷ صص ۱۹۱-۲۰۸،
- قادری صلاح الدین، فاضلی محمد، پاک سرشت سلیمان (۱۳۹۵) راهبردهای محله محوری و توسعه محله ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۸